

فرایندهای واژ - واجی پیشوندهای گویش تاتی تاکستان بر پایه نظریه بهینگی^۱

جواد رحمانی^۲

دانشجوی دکتری تخصصی زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران

محمد رضا اروجی^۳

استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه زبان‌شناسی، زنجان، ایران

بهزاد رهبر^۴

استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه زبان‌شناسی، زنجان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر، تلاشی است در جهت بررسی پیشوندهای واژ - واجی گویش تاتی تاکستان و واکاوی چگونگی عملکرد فرایندهای واژ - واجی در چارچوب نظریه بهینگی. منظور از فرایندهای واژ - واجی آن دسته از تغییرات واجی است که در بافتی صرفی یعنی در مرز بین تکواژها ایجاد می‌شود و انگیزه آوایی دارد. روش پژوهش به صورت تحلیلی بوده و داده‌ها از کتاب‌های تاتی، رادیو و شبکه‌های محلی گردآوری شده‌اند. متغیرهای زبانی براساس نوع فرایندهای آوایی و واژگانی دخیل مورد بررسی قرار گرفتند. نهایتاً براساس داده‌های موجود، این نتیجه به دست آمد که در این زبان گاهی فرایند حذف و گاهی درج در مرز تکواژی رخ می‌دهد؛ هرچند فرایند حذف در پیشوندها از مرتبه بالاتری نسبت به درج برخوردار است. این امر، نشان‌دهنده هم‌نوایی یا همان دسیسه واجی است و درواقع نشان می‌دهد که مرتبه‌بندی محدودیت‌های جهانی در این گویش صادق بوده و محدودیت‌های موجود در گویش یادشده با محدودیت‌های جهانی هم‌سو است. این پژوهش به پیکره دانش زبانی زبان‌شناسان در مورد گویش تاتی افزوده و به پژوهش‌گران در شناخت هرچه بیشتر فرایندهای واژ - واجی گویش تاتی و تطابق آن با جهانی‌های این حوزه یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: فرایند واژ - واجی، گویش تاتی، نظریه بهینگی، محدودیت‌ها، پیشوند.

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۶

۲- پست الکترونیکی:

javad.rahmani.zaban@gmail.com

۳- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

mohammadrezaorji@yahoo.com

۴- پست الکترونیکی:

rahbarbehzad@gmail.com

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر در ایران نظریهٔ بهینگی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر، به بررسی و توصیف اجمالی برخی فرایندهای واژ - واجی پیشوند گویش تاتی تاکستان براساس همین نظریه پرداخته و از این رهگذر نشان می‌دهد که چگونه در این گویش، سطح واژی با سطح واجی در تعامل قرار می‌گیرد؛ به این معنا که اعمال یک قاعدهٔ واژی، اعمال یک قاعدهٔ واجی را به دنبال دارد. فرایندهای واژ - واجی، زمینهٔ مطالعاتی را فراهم می‌کنند که در مرز بین واج‌شناسی و صرف قرار می‌گیرد. این فرایندها، صورت‌های مختلف گفتاری و نوشتاری مربوط به تکواژها را بدان جهت که برخی از واژه‌ها یا تکواژها در بافت‌های واژگانی یا دستوری به صورت‌های مختلف واجی درمی‌آیند، بررسی می‌کنند.

در این پژوهش، میزان کفایت فرایندهای واژ - واجی پیشوندهای گویش تاتی تاکستان براساس نظریهٔ بهینگی به محک آزمون گذاشته شده است؛ همچنین دستیابی به تعمیم‌های واجی براساس نظریهٔ یادشده در ساخت پیشوندهای واژ - واجی این گویش نیز مورد تأکید است. در این راستا، تعدادی از پیشوندهای پربسامد در این گویش انتخاب شده و گزینه‌های بهینه براساس سلسله‌مراتب محدودیت‌ها نشان داده شده‌اند. بدین منظور، افزون بر اینکه داده‌ها از منظر این رویکرد جدید مورد کنکاش قرار می‌گیرند، این امکان نیز به وجود می‌آید تا کفایت مشاهده‌ای و تحلیلی مورد سنجش قرار گیرد. این تحقیق، به لحاظ بررسی فرایندهای یادشده، دارای اهمیت بوده و انجام پژوهش‌هایی از این دست ضروری به نظر می‌رسد.

تاتی تاکستان در شهر تاکستان واقع در استان قزوین رایج است و از گویش‌های زبان تاتی از زبان‌های شمال غربی به شمار می‌رود. یارشاطر (۱۹۶۲) به صورت مقدماتی و یارشاطر (۱۹۶۹) به تفصیل به بررسی جنبه‌های مختلف گویش تاتی منطقهٔ رامند از جمله تاکستان پرداخته و استیلو^۵ (۱۹۸۱) در یک طبقه‌بندی، تاتی تاکستان را در گروه تاتی جنوبی محسوب نموده است. طاهری (۱۳۸۸) ویژگی‌های دستوری گویش تاتی تاکستان را بررسی کرده و سبزی‌پور (۱۳۸۹) در زمینهٔ تاتی، پژوهش‌هایی انجام داده، اما این زبان، از منظر بهینگی و به‌ویژه فرایندهای واژ - واجی آن مورد بررسی قرار نگرفته است.

۲- روش تحقیق

با توجه به انعطاف‌پذیری روش تحلیلی که یکی از بنیادی‌ترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات به‌ویژه در بررسی گویش‌ها است، این روش تحلیلی اتخاذ شده است. داده‌ها از کتاب‌ها، رادیو و شبکه‌های

محلّی و مصاحبه با گویشوران تات‌زبان، گردآوری، ثبت و ضبط شده است. داده‌های زبانی این مقاله به روش میدانی از افراد با سنین و تحصیلات مختلف گردآوری شده است. متغیرهای زبانی لازم از درون آن واژگان استخراج شده و فرایندهای آوایی و واژگانی واژه‌ها مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۳- نظریه بهینگی

زبان‌شناسی به وجود دستوری جهانی قائل است که تمرکز آن روی اصول و پارامتر زبان‌هاست. در واج‌شناسی جهانی، تلاش برای یافتن این تعمیم‌هاست (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۰). نظریه بهینگی، تحولی در زبان‌شناسی زایشی بود. واج‌شناسان در چارچوب این نظریه به دنبال تعمیم‌های واجی هستند. این رویکرد، بر مبنای تحقیقات تجربی رده‌شناسی، عناصر روساختی را برای دستیابی به اصول جهانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. نظریه بهینگی دارای رویکرد محدودیت بنیاد است که نخستین بار توسط پرینس و اسمولنسکی^۶ (۱۹۹۳) مطرح شد.

برای تحلیل فرایندهای واژ - واجی در چارچوب نظریه بهینگی، مدل‌هایی مانند مدل کاگر^۷ (۱۹۹۹)، مدل بهینگی لایه‌ای کلارک^۸ (۲۰۰۴)، مدل فولر^۹ (۲۰۱۳)، مک‌کارتی^{۱۰} (۲۰۱۱) و اسمیت^{۱۱} (۲۰۱۲) وجود دارند.

در این مقاله از مدل کاگر (۱۹۹۹) در بیان محدودیت‌های پایایی حساس به بافت صرفی برای تحلیل فرایندهای یادشده استفاده شده است.

«نظریه بهینگی مبتنی بر این بینش است که همه حوزه‌های زبان اعم از واج‌شناسی، تکواژشناسی و نحو «محدودیت بنیاد»^{۱۲} هستند. این محدودیت‌ها همگانی بوده و از این رو ریشه در ساختار زیستی و ژنتیکی انسان دارد. وجود این «محدودیت‌ها» تبیین‌کننده اشتراک بین زبان‌هاست و «مرتب‌بندی» متفاوت بین این محدودیت‌ها در زبان‌های مختلف از یک سو و تخطی‌پذیری آن‌ها از سوی دیگر، توجیه‌کننده تفاوت و تنوع بین زبان‌هاست. برخلاف رویکرد اصول و پارامترها که روساخت مجاز به‌طور مستقیم از زیرساخت مشتق می‌شود، در نظریه بهینگی، روساخت

6. A. Prince & P. Smolensky
7. R. Kager
8. Z. Clark
9. M. Fuller
10. J. MaCarthy
11. J. L. Smith
12. constraint based

مجاز یکی از چندگزینه‌ای است که کمترین تخلف را از محدودیت‌های جهانی دارد.»

(بی‌جن‌خان، ۱۳۸۹: ۳۵-۴۰)

از نقاط قوت نظریه بهینگی، تبیین عملکرد هماهنگ قواعد و الگوهای واجی در راستای یک هدف ساختاری مشترک است. آنچه در این میان اهمیت دارد، تأمین یک هدف ساختاری مشخص در برون‌داد است (مک‌کارتی، ۲۰۱۱). به همین دلیل، تعمیم‌های واجی در چارچوب رویکرد بهینگی بر مبنای محدودیت‌هایی صورت‌بندی می‌شوند که حول محور الگو یا ساخت واجی مشخصی در برون‌داد قرار دارند (پرینس و اسمولنسکی، ۱۹۹۳).

«از این نظریه، بیشتر برای توصیف نظام آوایی زبان‌ها استفاده می‌شود تا توصیف نظام تکواژها و گروه‌های نحوی. بر این اساس، واج‌شناسی هر زبان در یک واحد ارزیاب خلاصه می‌شود که خود، شامل تعدادی محدودیت جهانی قابل نقض و ترتیب مشخصی است. درون‌داد واحد ارزیاب، چند گزینه آوایی است که دستگاه مولد براساس اصول آواشناسی عمومی از روی زیرساخت واجی می‌سازد. روساخت مجاز، یکی از گزینه‌هاست که کمترین تخلف را از محدودیت‌ها دارد یا به عبارت دیگر، بیشترین هماهنگی را با محدودیت‌ها داراست.»

(بی‌جن‌خان، ۱۳۸۹: ۴۲)

بر این اساس، دو نوع محدودیت در واج‌شناسی بهینگی مطرح می‌شود:

- ۱- نشاننداری: با کمک آن می‌توان کاربرد کم یا زیاد برخی ساخت‌ها یا مقوله‌های زبانی و وجود برخی محدودیت‌ها در کاربرد آنها را توجیه کرد.
- ۲- پایایی (وفاداری): هرگونه تغییر در عناصر آوایی ستاک غیر مجاز است و اینکه یک محدودیت پایایی وابسته به بافت صرفی است (فولر، ۲۰۱۳).

۴- معرفی و تحلیل فرایندهای واژ - واجی پیشوندها در گویش تاتی تاکستان

پیشوندهای تصریفی و اشتقاقی مرسوم در این گویش عبارتند از:

/bō- .bo- .be- .mâ- .me- .bi .bâ- .ne- .de- .ni- .ane/

۴-۱- پیشوندهای تصریفی

۴-۱-۱- پیشوندهای تصریفی امری

پیشوندهای امر در گویش یادشده تکواژگونه‌های /b(v)- هستند. هنگامی که پیشوند امر /be/ به پایه‌های فعلی زمان حال ساده افزوده شود، بسته به اینکه پایه با همخوان آغاز شود یا با واکه و نیز بسته به

مشخصه‌های واکه پایه و تعداد هجاهای آن، تغییرات مختلفی صورت می‌گیرد. در زیر به معرفی و تحلیل این موارد پرداخته می‌شود:

الف) هنگامی که پیشوند امر به آن دسته از پایه‌های فعلی زمان حال افزوده شود که با همخوان آغاز می‌شوند و واکه پیشین دارند، هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود. مانند [be.xen] (به معنی بخوان) و [be.bærâ] (به معنی ببرید).

ب) در صورتی که پیشوند /-be/ به آن دسته از پایه‌های فعلی زمان حال افزوده شود که با همخوان آغاز می‌شوند و واکه آن‌ها پسین، میانی و گرد یعنی [o] مانند [bo. râ] (به معنی بیاورید) و نیز واکه پیشین، متوسط، نیمه‌باز [ö] مانند [bö.zön] (به معنی بدان) است واکه پیشوند با واکه پایه فعلی کاملاً همگون می‌شود و به اصطلاح هماهنگی واکه‌ای صورت می‌گیرد؛ بنابراین، طی همگونی واکه پیشوند با واکه پایه، واکه پیشوند به صورت زیربنایی خود وفادار نمی‌ماند و در رسیدن به صورت آوایی بهینه، محدودیت‌های وفاداری ناظر بر عدم تغییر مشخصه‌های واکه [گرد] نقض می‌شود. این محدودیت در بند زیر معرفی می‌شود:

(۱) IDENT-IO (round) (کاگر، ۱۹۹۹: ۴۰۹):^{۱۳}

- یک واحد برون‌دادی، ارزش [گرد] بودن واحد متناظر درون‌دادی‌اش را دارد.

اما پرسش این است که نقض محدودیت‌های وفاداری ذکر شده به قیمت عدم نقض چه محدودیتی صورت گرفته است؟ محدودیت مورد نظر HARMONY-IO است که به هماهنگی واکه‌ای می‌پردازد و در بند ۲ معرفی شده است:

(۲) HARMONY-IO (کاگر، ۱۹۹۹: ۳۷۸):

- اگر درون‌داد حاوی $V1...V2$ باشد، آنگاه $V1...V2$ در پسین بودن^{۱۴} و گرد بودن^{۱۵} یکسان می‌شوند.

برون‌داد

در محدودیت نشاداری (۳)، نشاداری $V1$ واکه پیشوند و $V2$ واکه ریشه است. این محدودیت بیان می‌کند که واکه ریشه در برون‌داد $V2$ تغییر می‌یابد تا با واکه پیشوند همگون شود. محدودیت بالا را به صورت زیر تغییر می‌دهیم تا با داده‌های گویش تاتی تاکستان که در آن‌ها واکه پیشوند دچار تغییر

۱۳- عدم ترتیب شماره تابلوهای پژوهش حاضر، به دلیل تطابق نام تابلوها با شماره محدودیت مربوط به آن است.

14. backness

15. roundness

می‌شوند، متناسب باشد:

(۳) HARMONY-IO (round) (همان: ۳۷۹):

– اگر درون‌داد حاوی $V1...V2$ باشد، آنگاه $V'1...V2$ در پسین‌بودن و گردبودن یکسان می‌شوند.
 برونداد: $V'1$

از آنجا که در داده‌های مورد نظر همگونی صورت می‌گیرد و ارزش گرد و پسین‌بودن واکه پیشوند در برونداد تغییر می‌کند، مرتبه‌بندی محدودیت‌های ۱ تا ۳ و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها به صورت زیر است:

4) HARMONY-IO >> IDENT-IO (round)

تابلوی (۵). رتبه‌بندی محدودیت مربوط به HARMONY-IO در گویش تاتی تاکستان

/be- /+ / zön /	HARMONY-IO	IDENT-IO(round)
a. bö.zön		*
b. be.zön	*!	

بنابر تابلوی (۵)، گزینه a به قیمت نقض محدودیت IDENT-IO (round) محدودیت HARMONY-IO را ارضاء کرده و برنده می‌شود. هر هجایی که با همخوان آغاز شود، به صورت‌های زیر اعمال می‌شود:

(۶) ONSET: هجاها با یک همخوان آغاز می‌شوند (کاگر، ۱۹۹۹: ۹۳).

(۷) DEP-IO (کاگر، ۱۹۹۹: ۶۸): هر عنصری در برونداد دارای معادلی در درون‌داد است (عنصری را اضافه نکنید).

(۸) MAX-IO (کاگر، ۱۹۹۹: ۶۹): هر عنصری در درون‌داد دارای معادلی در برونداد است (عنصری را حذف نکنید).

(۹) ALIGN-MORPH-L (کاگر، ۱۹۹۹: ۶۹): لبه سمت چپ یک تکواژ با لبه سمت چپ یک هجا منطبق است.

رتبه‌بندی محدودیت‌های تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها به صورت زیر است: [bi.je] (به معنی انجام بده)

10) ONSET >> MAX-IO >> DPO-IO, ALIGN-MORPH-L

تابلوی (۱۱). رتبه‌بندی مربوط به محدودیت‌های **ONSET >> MAX-IO >> DPO-IO, ALIGN-MORPH-L**

/bi- /+e/	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALIGN-MORPH-L
a.bi.je			*	*
b.bi		*!		
c.be		*!		
d.bi.e	*!			

همان‌طور که تابلوی (۱۱) نشان می‌دهد، گزینه a به قیمت درج یک عنصر، محدودیت ONSET را ارضاء کرده و به‌مثابه گزینه بهینه انتخاب می‌شود. گزینه‌های b و c به ترتیب به‌خاطر حذف، محدودیت MAX-IO را که از مرتبه بالایی برخوردار است، نقض می‌کنند و از تابلوی بهینگی حذف می‌شوند. گزینه d نیز به‌خاطر نقض ONSET، از صحنه رقابت خارج می‌شود. درضمن، ALIGN-MORPH-L در مرتبه پایینی قرار دارد و نقض آن توسط گزینه بهینه اهمیتی ندارد. نقض این محدودیت به این صورت است که اگر مرز سمت چپ تکواژ بر مرز هجا منطبق نباشد، به تعداد واحدهایی که مرز تکواژ با مرز هجا فاصله دارد، محدودیت نقض می‌شود و گزینه مورد نظر ستاره می‌گیرد. در بحث التقای واکه‌ها، ماهیت همخوان‌های میانجی وابسته به یکی از شرایط سه‌گانه زیر است:

۱- شرایط آوایی واکه‌ها ۲- شرایط صرفی - آوایی تکواژهای درگیر ۳- شرایط صرفی تکواژهای درگیر.

منظور از شرایط آوایی واکه‌ها، مواردی است که در مرز تکواژها، التقاء واکه‌ها صورت می‌گیرد و کیفیت همخوانی که به‌مثابه میانجی درج می‌شود، بافت آن توسط محتوای مشخصه‌ای تعیین می‌شود. شرایط صرفی - آوایی و شرایط صرفی تکواژهای درگیر، شرایطی را دربر می‌گیرند که شکل همخوان میانجی را شرایط صرفی تکواژهای قبل و بعد و نه بافت آوایی، تعیین می‌کنند (صادقی، ۱۳۹۰: ۲۶). از شرایط بالا، شرط اول در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

براساس تقسیم‌بندی طاهری (۱۳۸۸: ۲۷-۳۰) همخوان‌های میانجی وابسته به شرایط آوایی در گویش تاتی تاکستان عبارت‌اند از j، z که در بیشتر موارد، آوای [ʔ] و [j] از نظر آوایی خفیف تلفظ می‌شوند. درضمن، در برخی موارد به‌طور آزاد می‌توان التقاء واکه‌ها را با j یا ʔ از بین برد. براساس داده‌های وی، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در این گویش، در مواردی که برای رفع التقاء واکه‌ها درج صورت می‌گیرد، ظهور همخوان‌های زیر پیش‌بینی می‌شود:

اگر یکی از دو واکه، /i/ باشد بدون شک همخوان غلت /j/ درج می‌شود؛ مانند [ki.jon] (به‌معنی خانه‌ها). پس از واکه‌های پیشین نیز /j/ درج می‌شود، مانند [vâzi.jon] (به‌معنی بازی‌ها). در بافتی که /i/

حضور ندارد و واکهٔ پسین گردی حضور دارد، همخوان گردی /on/ درج می‌شود، مانند [ræz.on] (به معنی باغ‌ها). در بافتی که واکهٔ /i/ و واکه‌های گرد حضور نداشته باشند و واکهٔ پسین افتاده وجود داشته باشد و همچنین بین دو واکهٔ پسین افتاده، همخوان /j/ درج می‌شود، مانند [xo.jon] (به معنی پرزها).

براساس مطالعات جهانی، بی‌نشان‌ترین همخوان‌هایی که در جایگاه بین واکه‌ای درج می‌شوند، همخوان‌های غلت‌اند؛ همچنین براساس همین مطالعات، همخوان انسدادی چاکنایی نشاندارترین عنصری است که در این جایگاه درج می‌شود. در مقابل، در جایگاه آغازین، درج همخوان غلت نشاندار است (اوفمن^{۱۶}، ۲۰۰۲: ۲).

کاگر (۱۹۹۹: ۱۴) سلسله‌مراتب نشاننداری را در جایگاه بین واکه‌ای به شرح زیر معرفی کرده است:

(۱۲) *V-V/lar > *V-V/obs > *V-V/nas > *V-V/l > *V-V/r > *V-V/V

(در این طیف، منظور از lar همخوان‌های حنجره‌ای^{۱۷}، obs همخوان‌های گرفته^{۱۸}، nas همخوان‌های خیشومی^{۱۹} هست و منظور از V در *V-V/V نیز همخوان غلت^{۲۰} است.)

براساس سلسله‌مراتب بالا همان‌طور که گفته شد، نشاندارترین عنصر، انسدادی چاکنایی است؛ بدین ترتیب، درج غلت [j] در نمونهٔ گویش تاتی تاکستان [bi.jæ] (به معنی انجام بده) توجیه‌پذیر است و کیفیت آن براساس واکهٔ قبل یا همان واکهٔ پیشوند که یک واکهٔ پیشین و افراشته است، تعیین می‌شود. محدودیت‌های نشاننداری مربوط به درج و مرتبه‌بندی آن‌ها به‌طور مختصر، به صورت زیر است:

(۱۳) *V-V/lar (کاگر، ۱۹۹۹: ۱۰): همخوان حنجره‌ای در جایگاه بین واکه‌ای نشاندار است.

(۱۴) *V-V/V (کاگر، ۱۹۹۹: ۱۱): (نیم‌واکه) همخوان غلت در جایگاه بین واکه‌ای نشاندار است.

(۱۵) AGREE-HIGH (کاگر، ۱۹۹۹: ۱۲): واکه باید با همخوان غلت پس از خود از نظر مشخصه [افراشته] تطابق داشته باشد.

همچنین در اینجا یک محدودیت وفاداری مهم است که یکسانی ارزش افراستگی واکهٔ درونداد را در برونداد تضمین می‌کند و با محدودیت (۱۵) در تعرض قرار می‌گیرد. بدین منظور، محدودیت (۱۶)

-
16. C. Uffman
 17. Laryngeals
 18. obstruents
 19. nasals
 20. glide

به کار برده می شود:

(۱۶) IDENT-IO (high) (کاگر، ۱۹۹۹: ۳۹۵): اگر واکه‌ای در درونداد [high a] باشد، واحد متناظر با آن نیز در برونداد [a high] است.

از آنجا که واکه پیشوند در برونداد افزاشته می شود و همگونی صورت می گیرد، محدودیت (۱۶) در مرتبه پایین تری قرار می گیرد و نقض آن جریمه سنگینی ندارد؛ بنابراین، مرتبه بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آن به صورت زیر است:

17) ONSET >> AGREE-HIGH >> * V-V/Lar >> * V-V/V >> ALIGN-L, IDENT-IO (high)

تابلوی (۱۸). محدودیت واکه پیشوند در برونداد برافراشته با ایجاد همگونی

/be-/+/eh/	ONSET	AGREE-HIGH	*V-V/lar	*V-V/V	ALIGN-L	IDENT-IO(high)
a.bi.jeh				*	*	*
b.be.jeh		!*		*	*	
c. be.eh	!*					
d. bi.eh	!*	!*				*
e. bi. ?eh			!*		*	*
f. be. ?eh			!*		*	

در تابلوی (۱۸)، گزینه a به قیمت نقض محدودیت مرتبه پایین تر، محدودیت AGREE-HIGH را ارضاء کرده و بهینه است ولی گزینه b، به خاطر نقض محدودیت درجه بالاتر، گزینه غیر بهینه و نامطلوب است.

ت) اگر تکواژ امر /-bo/ در کنار پایه‌هایی قرار بگیرد که با واکه شروع می شوند و بیش از یک هجا دارند، مانند /âxârâ/ (به معنی بنوشید)، در تکواژ امر تغییری ایجاد نمی کند، ولی در اثر به دنبال هم قرار گرفتن واکه امر و واکه پایه فعل، التقاء واکه‌ها صورت می گیرد و برای جلوگیری از آن در گویش تاتی تاکستان، واکه نخست حذف می شود.

(۱۹) MAX-V (prefix): هر واکه‌ای در صورت دروندادی پیشوند، دارای معادلی در صورت بروندادی پیشوند است (واکه پیشوند را حذف نکنید).

(۲۰) MAX-V (base): در پایه تک‌هجایی، هر واکه‌ای در صورت بروندادی پایه، دارای معادلی در صورت دروندادی پایه است (واکه پایه تک‌هجایی را حذف نکنید).

(۲۱) *STRUC: تعداد هجای کمتر بی نشان تر است.

محدودیت ONSET و ارضاء آن در این گویش، از بیشترین اهمیت برخوردار است. بر این اساس، در

این مورد /+âxârâ bo/ (به معنی بخورید)، هجای دوم یعنی /-âxâ/ - حتماً باید آغازه داشته باشد. التقاء واکه‌ها در این مورد با حذف واکه نخست پایه از میان برداشته می‌شود؛ بنابراین، مرتبه‌بندی محدودیت‌های عنوان‌شده و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها بدین صورت است:

22) ONSET >> MAX-IO (prefix) >> *STRUC >> MAX-IO (base), DEP-IO, ALIGN-MORPH-L

تابلوی (۲۳). محدودیت برداشتن التقاء واکه‌ها با حذف واکه نخست پایه

/bo/ + /âxârâ/	ONSET	MAX-V (prefix)	*STRUC	MAX-V (base)	DEP- IO	ALIGN- MORPH-L
a. bo.xâ.râ			***	*		*
b. bo.jâ.xâ.râ			***!		*	*
c. bâ.xâ.râ		*!	***			*
d. bo. âxâ.râ	*!		***			

تابلوی (۲۳) نشان می‌دهد که گزینه a با ارضاء محدودیت‌های مهم‌تر ONSET و MAX-IO (prefix) برنده است؛ همچنین این گزینه محدودیت *STRUC را سه بار نقض می‌کند، اما چون گزینه b به دفعات بیشتری این محدودیت را نقض می‌کند، گزینه a با نقض این محدودیت حذف نمی‌شود. گزینه a محدودیت MAX-IO را به خاطر حذف واکه پایه نقض کرده است، اما به این دلیل محدودیت MAX-V (base) را نقض نکرده که این محدودیت، حذف واکه پایه‌های تک‌هجایی را مجاز نمی‌داند و پایه در گزینه a سه‌هجایی است. بیشترین تعداد نقض محدودیت *STRUC توسط گزینه b موجب حذف این گزینه می‌شود. گزینه‌های c و b به ترتیب به خاطر نقض محدودیت‌های مهم‌تر MAX-V (prefix) و ONSET بازنده و حذف می‌شوند. نقض محدودیت ALIGN-MORPH-L نیز که در پایین‌ترین مرتبه در تابلو قرار دارد، توسط سه گزینه اول نقشی در انتخاب گزینه بهینه ندارد.

۴-۱-۲- پیشوند تصریفی نهی /mâ-/

در گویش تاتی تاکستان، هنگامی که پیشوند تصریفی /mâ-/ به پایه‌های فعلی زمان حال افزوده شود، بسته به اینکه پایه، با واکه آغاز شود و نیز بسته به تعداد هجاهای پایه تغییر صورت می‌گیرد. هنگامی که پیشوند نهی /mâ-/ به پایه‌های فعلی زمان حال افزوده شود که با واکه شروع شوند و تک‌هجایی باشند، برای رفع التقاء واکه‌ها یک همخوان درج می‌شود تا محدودیت ONSET با بالاترین مرتبه در گویش یادشده ارضاء شود، مانند: /mâ.xâ.râ/ (به معنی نخورید).

24) ONSET, MAX-V(prefix) >> *STRUC >> MAX-IO >> DEP-IO >> ALIGN-MORPH-L

تابلوی (۲۵). پیشوند تصریفی نهی /mâ/ و درج همخوان برای رفع التقاء واکه‌ها

/ mâ/ +/âxârâ/	ONSET	MAX-V(prefix)	*STRUC	MAX-IO	DEP-IO	ALIGN- L
a. mâ.xâ.râ			***	*		*
b. mâ.jâ.xâ.râ			****!		*	*
c. mâ. â.xâ.râ	*!		****!			

تابلوی (۲۵) نشان می‌دهد که گزینه a با نقض کردن محدودیت‌های دارای مرتبه پایین‌تر برنده است. گزینه‌های b و c به ترتیب به خاطر نقض محدودیت‌های مهم‌تر *STRUC و ONSET بازنده و حذف می‌شوند.

۴-۱-۳- پیشوند تصریفی استمراری /me-/

در گویش تاتی تاکستان، پیشوند /me-/ به ابتدای پایه‌های فعلی زمان حال افزوده می‌شود و صورت استمراری می‌سازد:

الف) در این گویش، هنگامی که پیشوند استمراری /me-/ به پایه‌هایی افزوده شود که با همخوان آغاز می‌شود (پایه‌های حال) و اولین واکه آن‌ها واکه میانی پیشین، یعنی /e/ است، واکه هجای اول پایه، حذف می‌شود. در نمونه /me+sepâr+em/ چون تعداد هجاهای پایه بیش از یک هجا است، حذف واکه در آن صورت می‌گیرد. در اثر حذف واکه پایه، در صورتی که هجابندی مجدد صورت نگیرد، آغاز پیچیده‌ای مانند [me.spâr.em] (به معنی می‌سپارم) تشکیل می‌شود، اما چون در گویش یادشده آغاز پیچیده نداریم، همخوان نخست هجای دوم، در جایگاه پایه هجای قبل قرار می‌گیرد و با آن یک هجا می‌سازد. بدین ترتیب تعداد هجاها کاهش می‌یابد. در این صورت، افزون بر یک محدودیت وفاداری که یکسان بودن واکه درون‌داد را در برونداد تضمین می‌کند، محدودیت نشاننداری مربوط به تعداد هجا در یک واژه نیز، از بروز صورت‌های نشاندار جلوگیری می‌کند؛ افزون بر این، محدودیت دیگری که وجود آغاز پیچیده را نشاندار می‌داند، منجر به تقطیع مجدد هجای زنجیره آواها می‌شود؛ بنابراین، بازم محدودیت ALIGN-MORPH-L که منطبق بودن مرز تکواژ و هجا را ضروری می‌داند، در کار است؛ همچنین با حذف واکه هجای دوم، در واقع برای اجتناب از شکل‌گیری آغاز پیچیده، یک همخوان به پایه هجای نخست اضافه می‌شود و محدودیت NO-CODA نیز در کار است. این محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها به ترتیب زیر است:

(۲۶) No-Coda: هجاها به یک واکه ختم می‌شوند (کاگر، ۱۹۹۹: ۹۴).

(۲۷) *COMPLEX-ONSET (کاگر، ۱۹۹۹: ۹۷): آغاز هجا باید ساده باشد.

28) *COMPLEX-ONSET >> *STRUC >> MAX-IO, NO-CODA, ALIGN-MORPH-L

تابلوی (۲۹) حذف واکه /e/ در هجای نخستین پایه

/me+sepâr+em/	*COMPLEX-ONSET	*STRUC	MAX-IO	NO-CODA	ALIGN-MORPH-L
a. mes.pâ.rem		***	*	**	**
b. me.se.pâ.rem		****!		*	*
c. me. spâr.em	*!	***		**	

تابلوی (۲۹) نشان می‌دهد که گزینه b که به دفعات بیشتری محدودیت *STRUC را نقض می‌کند، غیر بهینه بوده و از صحنه رقابت خارج می‌شود. گزینه c که آن نیز غیر بهینه است، نه به خاطر محدودیت *STRUC، بلکه با نقض اولین محدودیت، یعنی محدودیت *COMPLEX-ONSET، از صحنه رقابت خارج می‌شود. نقض هر دو محدودیت NO-CODA و MAX-IO توسط گزینه بهینه، یعنی گزینه a، کم‌اهمیت بودن آن را می‌رساند. از آنجا که محدودیت *COMPLEX-ONSET در گویش تاتی تاکستان نقض ناپذیر است، طبیعتاً با قرار گرفتن نخستین همخوان هجای اول، مرز تکواژ و هجا از سمت چپ تغییر می‌کند و محدودیت ALIGN-MORPH-L نیز نقض می‌شود.

ب) در صورت واکه آغازین و تک‌هجایی بودن پایه در گویش یادشده، برای رفع التقاء واکه‌های یک همخوان بین پیشوند و پایه درج می‌شود؛ بنابراین محدودیت DEP-IO به کار می‌رود. هجابندی دوباره نیز، هم در سمت چپ و هم در سمت راست پایه صورت می‌گیرد و محدودیت ALIGN-MORPH-L نقض می‌شود.

۴-۲- پیشوندهای اشتقاقی

از میان پیشوندهای اشتقاقی، نمونه‌هایی که به واکه ختم شده و پربسامد هستند بررسی می‌شوند:

۴-۲-۱- پیشوند اشتقاقی صفت‌ساز /bi-/

وقتی /bi-/ که خود مختوم به واکه است پیش از اسم قرار گیرد، صفت ساخته می‌شود و بسته به اینکه اسم با همخوان آغاز شود یا با واکه، شرایط متفاوتی ایجاد می‌شود.

الف) اگر اسم مورد نظر با همخوان شروع شود، با قرار گرفتن تکواژ /bi-/ پیش از آن، تغییری حاصل نمی‌شود مانند /bi-/ + /fel/ که در برون‌داد به صورت [bifel] (به معنی بی‌پول) ظاهر می‌شود.

ب) در صورتی که اسم مورد نظر واکه آغازین باشد، برای التقاء واکه‌ها فرایند درج صورت می‌گیرد، مانند /bi-/ + /ærde/ (به معنی انجام شده) که به صورت [bi.jærde] ظاهر می‌شود؛ بنابراین، مرتبه‌بندی و

تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها به صورت زیر است:

30) ONSET >> MAX-IO >> DEP-IO, ALIGN-MORPH- L

تابلوی (۳۱). پیشوند اشتقاقی صفت ساز /bi/ و فرایند درج /j/ برای التقاء واکه‌ها

/bi-/+/ærde/	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALIGN- L
☞ a.bi.jær.de			*	*
b. bir.de		*!		*
c. bær.de		*!		*
d. bi.ær.de	*!			

بر اساس تابلوی (۳۱)، گزینه a به‌مثابه گزینه بهینه انتخاب می‌شود، زیرا به‌وسیله درج محدودیت DEP-IO را که در پایین‌ترین جایگاه قرار دارد، نقض کرده است. گزینه‌های b و c به ترتیب به‌خاطر حذف، محدودیت MAX-IO را که نسبت به DEP-IO اهمیت بیشتری دارد، نقض کرده و به‌همین دلیل، از صحنه رقابت حذف شده‌اند. گزینه d نیز غیر بهینه است، زیرا دارای یک هجای بدون آغاز است و محدودیت ONSET را که بالاتر از همه محدودیت‌هاست، نقض می‌کند.

درج همخوان انسدادی چاکنایی در جایگاه آغازین به این علت، بی‌نشان است که با واکه پس از خود، بیشترین میزان تقابل را ایجاد می‌کند؛ بنابراین، بر اساس یک مرتبه‌بندی جهانی دیگر، سمت چپ و راست هسته با برجسته‌ترین عنصر به‌لحاظ ادراکی یعنی همخوان‌های گرفته یا حنجره‌ای پر می‌شوند.

۴-۲-۲- پیشوند اشتقاقی صفت ساز /bâ-/

وقتی پیشوند /bâ-/ پیش از اسم‌ها قرار گیرد، صفت ساخته می‌شود و بسته به اینکه اسم با همخوان آغاز می‌شود یا با واکه، شرایط متفاوتی ایجاد می‌شود.

الف) اگر اسم مورد نظر با همخوان شروع شود، با قرار گرفتن تکواژ /bâ-/ پیش از آن، تغییری حاصل نمی‌شود مانند /bâ-/ + /hönær/ (به‌معنی باهنر) که در برون‌داد به صورت [bâ.hö.nær] ظاهر می‌شود. ب) در صورتی که اسم مورد نظر واکه آغازین باشد، التقاء واکه‌ها و برای رفع آن فرایند درج صورت می‌گیرد، مانند /bâ-/ + /örze/ که به صورت [bâ.ör.ze] (به‌معنی باعرضه) در برون‌داد ظاهر می‌شود؛ بنابراین، مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی به آن‌ها به صورت زیر است:

32) ONSET, MAX-IO >> DEP-IO, ALIGN-MORPH-L

تابلوی (۳۳). پیشوند اشتقاقی صفت ساز /bâ/ و فرایند درج /r/

/bâ-/+/örze/	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALIGN- L
☞ a. bâ.ör.ze			*	*
b. bâr.ze		*!		*
c. bâ. ör.ze	*!			

بر اساس تابلوی (۳۳)، گزینه a به‌مثابه گزینه بهینه انتخاب می‌شود، زیرا با انجام فرایند درج،

محدودیت مربوط به آن را که در پایین‌ترین جایگاه قرار دارد، نقض کرده است، اما محدودیت‌های مهم‌تر نقض نشده‌اند. گزینه b با حذف یک عنصر، محدودیت MAX-IO را که نسبت به DEP-IO اهمیت بیشتری دارند، نقض کرده و به‌همین دلیل، از صحنه رقابت حذف شده است. گزینه c نیز غیر بهینه بوده، زیرا دارای یک هجای بدون آغازه است و محدودیت ONSET را که بالاتر از همه محدودیت‌هاست، نقض می‌کند.

۴-۲-۳- پیشوندهای اشتقاقی منفی ساز /ni .æne .de .ne/

34) ONSET >> IDENT-IO (low)

تابلوی (۳۵). پیشوند اشتقاقی منفی ساز /ne/ در گویش تاتی تاکستان

/ne/+vâtem/	ONSET	IDENT-IO (low)
a. ne.vâ.tem		
b. næ.vâ.tem		*!
c. ne.vât.em	*!	

تکواژ /ne-/ در واژه [ne.vâ.tem] (به معنی نگفتم) به‌مثابه پیشوند منفی ساز است. براساس تابلوی (۳۵)، گزینه a گزینه بهینه است در حالی که گزینه b، با تخطی از محدودیت وفاداری IDENT-IO و گزینه c با تخطی از محدودیت کشنده ONSET غیر بهینه محسوب می‌شوند.

36) ONSET >> IDENT-IO (low) >> NO-CODA

تابلوی (۳۷). پیشوند اشتقاقی منفی ساز /de/

/de/+vâštæn ²¹ /	ONSET	IDENT-IO(low)	NO-CODA
a. de.vâš.tæn			**
b. dæ.vâš.tæn		*!	**
c. de.vâšt.æn	*!		**

براساس تابلوی (۳۷)، گزینه a با تخطی از کم‌رتبه‌ترین محدودیت گزینه بهینه است در حالی که گزینه b، با تخطی از اصل IDENT-IO و گزینه c با تخطی از اصل ONSET گزینه‌های غیر بهینه‌اند.

38) ONSET >>> DEP-IO, NO - CODA, ALIGN-MORPH-L

تابلوی (۳۹). پیشوند اشتقاقی منفی ساز /æne/

/æne/+šuræste/	ONSET	DEP-IO	NO-CODA	ALIGN-L
a. ?æ.ne.šuræs.te		*	*	*
b. æ.ne.šuræs.te	*!		*	
c. ?æ.ne.šur.æs.te	*!	*	*	*

تکواژ /-æne/ در واژه [ʔæ.ne.ʃu.ræs.te] (به معنی نَشسته) به مثابه پیشوند منفی ساز است. بر اساس تابلوی (۳۹)، گزینه a بهینه است زیرا گزینه‌های b و c از محدودیت مهلك ONSET تخطی کرده‌اند.

40) ONSET >> MAX-IO >> ALGIN-MORPH-L

تابلوی (۴۱). پیشوند اشتقاقی منفی ساز /ni/

/ni+/rutæn/	ONSET	MAX-IO	ALGIN-L
a.ni.ru.tæn			
b.ni.rut.æn	*!		
c.nir.tæn		*!	*

تکواژ /ni-/ در واژه [ni.ru.tæn] (به معنی نغروختن) به مثابه پیشوند منفی ساز است. بر اساس تابلوی (۴۰)، گزینه b به علت تخطی از محدودیت مهلك ONSET و گزینه c به علت تخطی از محدودیت، رتبه بالای MAX-IO غیر بهینه‌اند.

۵- نتیجه گیری

پس از تحلیل داده‌ها و به دست آوردن الگوهای گویش تاتی تاکستان بخشی از فرایندهای واژ - واجی پیشوندهای این مقوله در چارچوبی جدید بررسی شد؛ بنابراین، پرسش اصلی این مقاله، مبنی بر اینکه نظریه بهینگی توانایی توصیف داده‌های تاتی تاکستان را دارد، مورد تأیید قرار گرفت؛ همچنین بررسی‌ها نشان داد که مرتبه‌بندی محدودیت‌ها در این گویش متفاوت است؛ به گونه‌ای که فرایندهای متفاوتی در آن صورت می‌گیرد؛ برای مثال، در گویش یادشده هم فرایند حذف و هم درج در کاربرد پیشوندها صورت می‌گیرد، ولی حذف نسبت به درج از رتبه بالاتری برخوردار است؛ همچنین از مرتبه محدودیت‌ها و تابلوهای بهینگی مربوط به پیشوندها این نتیجه به دست می‌آید که در گویش تاتی تاکستان، هیچ‌گاه واکه پیشوند حذف نمی‌شود و هیچ‌گاه هجا بدون آغازه یا با آغازه پیچیده وجود ندارد. سلسله‌مراتب جهانی نشاننداری درج نیز در گویش یادشده به کار می‌رود. در تاتی، درج همخوان غلت بی‌نشان‌تر از درج همخوان چاکنایی بی‌واک است. به طور کلی، محدودیت‌های پیشوندی در گویش تاتی تاکستان به شرح زیر است:

ONSET >> MAX-IO (prefix) >> * STRUC >> MAX-IO (base) >>
 AGREE (high) >> HARMONY-IO >> IDENT-IO >> *V-V/lor >>
 *V-V/V >> DPO-IO >> NO-CODA, ALIGN-MORPH-L

همچنین در این مقاله نشان داده شد که ترتیب محدودیت‌های واژ - واجی در زبان تاتی هم‌سو با محدودیت‌های جهانی است و قواعد به‌ظاهر متفاوت همانند درج، حذف و... همگی در یک جهت و

برای رسیدن به یک هدف واحد به کار می‌روند که آن را می‌توان دسیسه یا هم‌نوایی نامید.

منابع

- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۹). *واحدشناسی: نظریه بهینگی*. تهران: سمت.
- سبزعلی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۸۹). *زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۹۰). *مسائل تاریخی زبان فارسی*. تهران: سخن.
- طاهری، عباس (۱۳۸۸). *بررسی گویش تاتی تاکستان*. تاکستان: سال.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۵). *واحدشناسی قاعده‌بنیاد*. تهران: سمت.
- Clark, Z. (2004). *A Stochastic Optimality Theory Approach to Syntactic Change*. Ph.D. dissertation in Linguistics, Stanford University.
- Fuller, M. (2013). *On the Special Role of Faithfulness Constraints in Morphology-Sensitive Phonology: The M-Faithfulness Model*. Ph.D. dissertation in Linguistics, University of North Carolina.
- Kager, R. (1999). *Optimality Theory*. New York: Cambridge University Press.
- MaCarthy. J. (2011). *Autosegmental Spreading in Optimality Theory*. Massachusetts: Massachusetts University Press.
- Prince, A. & P. Smolensky (1993). *Optimality Theory: Constraint Interaction in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell Publishing Ltd.
- Smith, J. L. (2012). *Parts of Speech in Phonology: Handout*. 17th LIPP Symposium at the 18th Manchester Phonology Meeting. Manchester: University of Manchester.
- Stilo, D. L. (1981). *The Tati Language Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia*. *Iranian Studies*, 3 (14), 137-187
- Uffman, C. (2002). *Intrusive and Optimal Epenthetic Consonants*. *Toulouse Conference on English Phonology*, Oxford: Blackwell publishing.
- Yarshater, E. (1962). The Tati Dialect of Ramand, In: W. B. Henning and E. Yarshater (Eds.), *A. Locust' Leg. Studies in Honour of S.H. Taghizadeh*, London, 2 (11), 240-5.
- (1969). *A Grammar of Southern Tati Dialects*. Paris, The Hague: Mouton.